

به نظر می‌رسد گرگ هنوز دخترش را همان بچه کوچک می‌بیند، اما در عین حال می‌خواهد دوستش هم باشد. شما این گذار به بزرگسالی را با فرزندان چطور تجربه کرده‌اید؟

رابطه با فرزندان وقتی بچه هستند کاملاً متفاوت است با زمانی که بزرگسال می‌شوند. اما بین «دوست بودن» با بچه‌ها و «نزدیک بودن» به آن‌ها تفاوت قائل می‌شوم. من و همسرم قرار نیست دوست فرزندانمان باشیم؛ ما والدین آن‌ها هستیم. فکر می‌کنم شخصیت من هم همین‌طور فکر می‌کند. او می‌خواهد به دخترش نزدیک باشد، اما در عین حال آدم نسبتاً تنهایی است. چه قبول کند چه نه، واقعاً به او نیاز دارد؛ اما دخترش این را نمی‌بیند، چون زندگی خودش را دارد.

